اعوذباللَه من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

 تلمیذ: آیا تریاك خارج از بحث اعتیاد برای بدن مضر است؟

 استاد: بله ضرر دارد البته تریاك یكی از مواد اصلی ادویه در طب قدیم است الان هم همینطور مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان ماده اصلی، مواد اصلی چند چیز هستند یكی تریاك است و یكی هلیله و صمغ و چندتا چیز بودند كه جزء اصلی دواها و تركیب دواها هستند ولی خود همین قضیه یك ضررهایی دارد در صورت آمادگی برای مثلا عروق موجب ترد شدن رگها می‌شود و احتمال پارگی رگ بخصوص در مغز برای كسانی كه مصرف دارند، مصرف مداومش احتمال بروز بیماری‌های سخت كبدی دارد، البته بعنوان خیلی كم خیر، مثل سایر چیزهای دیگر است، مثلا اسپند خودش یك ماده سمی است ولی كمش خیلی داروی مؤثری است می‌گویند" سمّ بخور كم بخور" ولی خود همین مساله اعتیادش حالا غیر از آن جهت دیگر موجب می‌شود برای اینكه خود شخص نسبت به بعضی از تحریك‌پذیری‌ها كه حساسیت داشته باشد این تأثیر بگذارد لذا در سابق هیچ وقت این را تنها نمی‌دادند با چند چیز قاطی می‌كردند مگر در استعمالات خارجی مثل بعضی سردردها، بعضی از گوش‌دردها كه آب می‌كردند برای خواباندن بعضی ضررها در عریون استفاده می‌كردند آن بیماری‌هایی كه تشخیص می‌دادند ناشی از رطوبت و سردی است به این وسیله اینها این را مداوا می‌كردند،

 تلمیذ: خشخاش چطور؟

 استاد: خشخاش ما هم می‌خوردیم آن موقع ارزان هم بود می‌آوردند در بقالی‌ها، آن موقع زیاد بود یك زمانی بود همه بقالی‌ها می‌آوردند ما می‌رفتیم سه كیلو می‌خریدیم با شكر می‌خوردیم.

 تلمیذ: سرد هم هست.

 استاد: طبع خشخاش بله سرد است

 تلمیذ: حكم قاچاقچی انواع مواد مخدر اعدام است؟

 استاد: خب آن دیگر بسته به كیفیت و خطر و اینهاست یك وقتی مساله تریاك است، یك وقتی قضیه این چیزهایی است كه جدید آمده هروئین و اینها چیزهای خیلی خطری و خارج از مساله داروئی است، هر چیزی جای خودش را دارد اینها را یك گرمش را باید اعدام كنند آن قضیه تریاك حالا مثلا نمی‌توانیم بگوییم اعدام است آن را باید از آنها گرفت و چون موارد استفاده داروئی دارد اما این چیزهایی جدیدی كه هست همین اینها كه می‌گویند كراك و هروئین و اینها چیزهایی كه بسیار خطرناك هستند قطعا حكم اعدام است.

 تلمیذ: ادله‌اش چیست؟

 استاد: ادله‌اش افساد است، از باب افساد كلی، هرچیزی كه موجب بشود سلب امنیت جامعه بشود و افساد به آن تعلق بگیرد آن حكمش اعدام است و بعد هم مساله دیگر اضرار است مساله اضرار آن.

 تلمیذ: موارد اضرار كه اعدام ندارد؟

 استاد: بله همین اضرار همان جنبة افساد پیدا می‌كند یك وقتی یكی كاری می‌كند یك وقتی جنبة عمومی پیدا می‌كند مساله‌اش خب این فرق می‌كند بطور كلی هرچیزی همین است هرچیزی كه موجب بشود امنیت جامعه مخدوش بشود آن حكم افساد را پیدا می‌كند، مثلا بعضی‌ها هستند شایعات پراكنده می‌كنند مردم را در اضطراب قرار می‌دهند، این هم همین حكم را دارد، مثلا شایعه‌ای كه یك گروهی آمدند و این گروهها چه می‌كنند در میان مردم پخش كنند شایعه اینكه فرض بكنید كه مثلا قحطی می‌خواهد بیاید، شایعه اینكه ضررهایی ممكن است برای مملكت وارد بشود بطور كلی امنیت اجتماعی و روانی امنیت روانی را از جامعه سلب كردن همه اعدام است.

 تلمیذ: مواردی كه اشاعه فحشا میشود اینها هم حكم اعدام دارند؟

 استاد: اینها هم همین است هر چیزی كه موجب اشاعة فحشاء باشد همین جنبه افساد و سلب امنیت اجتماعی به آن تعلق می‌گیرد این افرادی كه خب اینها می‌آیند چیزهای مخرب می‌آورند یا خودشان تولید می‌كنند، خیلی مسائل هست كه اینها در صورت انجامش اصلا بطور كلی یعنی عمل كردن بطور كلی نظام یك اجتماع را اصلا برمی‌گرداند دگرگون می‌كند این مطالب را بطور مبسوط در آن ارتداد می‌آید آنجا باید این مسائل صحبت بشود، یعنی در بحث میزان آزادی فرد در ارتباط با جامعه و همینطور در ارتباط با خود، در ارتباط با خارج بطور مضیقش و خانواده و اینها بطور كلی‌ترش مساله مربوط به جامعه برمی‌گردد و در آنجا این مسائل مطرح بشود كه شخص تا چه میزانی می‌تواند از آزادی خودش در ابراز عمل و فعل خارجی استفاده كند و بهره بگیرد تا چه حدّ؟ حتی پوشیدن لباس در ملاء عام در صورتی كه موجب به هم ریختن فرهنگ جامعه باشد این ممنوع است، پوشیدن لباس، هیئتی كه شخص درمی‌آورد اینها همه هست، یك جوانی در مدینه بود جوان زیبائی بود این موهایش را می‌آمد درست می‌كرد و به یك كیفیت و لباسی هم كه می‌پوشید این تعمّد داشت به اینكه زن‌ها را به خودش جلب كند، حضرت گفتند: او را بگیرند و سرش را تراشیدند و هندوانه و بعد هم فرستادند یك مدت برود بالای كوه، تبعیدش كردند.

 كسی حق ندارد به هر كیفیتی بخواهد در میان جامعه حركت كند، بالاخره این جامعه‌ای كه در اینجا تشكیل شده یك مقداریش را این فرد می‌تواند فضا اشغال كند مثلا فرض كنید شما اینجا نشسته‌اید هر كسی اینجا نشسته یك مقداری از اكسیژن اینجا حقش است شما الان سیگار در بیاورید دود كنید بگویید كه من حقم هست شما الان دارید به حق من تجاوز می‌كنید، این جامعه را با این وضعیت خدا ساخته، این غرائز را خدا داده، خدا این غرائز را بگیرد تو هر طوری می‌خواهی بیرون بیا اصلا لخت بیرون بیا، در یك جامعه‌ای كه فرض بكنید از آن جامعه غریزة شهوت می بارد، به افراد یك آمپول بزنند دیگر هیچی خلاص، بشود آقامحمدخان، خب آن زن هم بشود فلان، خب لخت در بیا خب بیاید داری به دیوار نگاه می‌كنی هیچ مساله‌ای ندارد، یعنی مساله اصلا بر می‌گردد مثل بچه غیر ممیزی كه حتی در غیر تمیزش خاطره‌ای از آن در ذهن نمی‌ماند، مساله در غیرممیز بودن حتی به بقاء خاطره و اینها برمی‌گردد فقط به اینكه می‌گویند ممیز باشد نیست، بچه سه ساله كه ممیز نیست اگر او را ببرید در یك جایی همه این ذهنیات در ذهنش می‌ماند، نباید اینطور باشد مساله تمیز و اینها فرق می‌كند آن وقت در یك جامعه‌ای كه غرائز وجود دارد، خواست وجود دارد یكی امكانات دارد یكی ندارد، یكی خواست دارد یكی ندارد، یكی نیاز دارد یكی ندارد و استفاده از فضای آن جامعه ممنوع نمی‌تواند باشد، نمی‌شود گفت كه آنهایی كه زن ندارند از صبح ساعت ده تا چند بیرون نیایند، حكومت نظامی كه نیست!، خب در یك همچنین فضای جامعه‌ای حق قانونی هر شخصی این است كه آنچه كه موجب تحریك اوست در آن جامعه وجود نداشته باشد حالا اصلا یكی فی حدنفسه یك چیزیش می‌شود آن استثنا است ولی اگر افراد در آنجا بنحوی بیایند كه این فرد نتواند آن فضای آزاد را برای استفادة خودش در جامعه آن فضای آزاد را داشته باشد، فضای جامعه مسموم باشد، حتما مسموم بودن به دی اكسید كربن نیست مسموم بودن به قرطی بیرون آمدنها و فرض بكنید با وضعیت تحریك كننده بیرون آمدن هم هست، الان زن‌هایی كه دارند در جامعه تهران حركت می‌كنند هیچ‌كدام اینها شرعی نیست، خود لباس پوشیدنشان محرك است، اگر لباس را دربیاورد اینقدر نگاهشان نمی‌كردند كه حالا تنش كرده است تمام اینها را بایستی كه منع كرد همة اینها ممنوع است یك لباس، لباس گشاد كه آن حجم تعیینی، بُعد و طول و عرض به حدودها و قیودها و كیفیاتها و كمیت‌ها پیدا نباشد و بعد این بشود یك ملاك برای خود آن افراد حالا اگر كسی بگوید دلم می‌خواهد، خب بیخود دلت می‌خواهد، برای چی می‌خواهی اینطوری بیایی بیرون؟ اگر دلت می‌خواهد در خانه خودت باش آنجا لباسهایت را در بیاور پس تو مریض هستی، تو برای بقیه می‌خواهی این كار را بكنی، نه دلم می‌خواهد، دلم می‌خواهد در كار نیست، دلم برای بقیه می‌خواهد، اگر دلت برای خودت می‌خواست خب می‌رفتی در خانه، بلند شو برو در خانه آنقدر تنگ بپوش كه لباس پاره بشود یا اصلا می‌خواهی نپوش، كسی در چهاردیواری خانه منع نمی‌كند، قانون منع نمی‌كند حتی اگر بخواهی تفحص كنی بروی در منزل جلویت را می‌گیرند، آقا وقتی در بسته است حریم فرد محترم است، شخص محترم است ولی همین كه شخص می‌خواهد پایش را از حریم خودش بیرون بگذارد، درحقوق دیگران می‌رود، این جا مساله پیدا می‌شود، این آزادی كه می‌گویند هر كسی حق آزادی دارد اینجا منافات پیدا می‌كند، تو حق آزادی داری مثل اینكه من حق آزادی دارم بیایم اینجا سیگار بكشم و هوای اینجا را آلوده كنم شما حق اعتراض ندارید؟ خب ما هم می‌خواهیم نفس بكشیم فقط تو یكی كه نیستی تو به اندازه خودت می‌توانی از اكسیژن استفاده كنی همین.

 یك جا صحبت می‌كردیم بعد یكی اشكالی كرد گفتم من صحبتم همین است خب هركسی نمی‌خواهد نیاید اكسیژن بقیه را هم مصرف نكند این همه جا هست خب چرا می‌آیی اینجا؟ من حرفم همین است كتابهایی كه مطالعه می‌كنم مربوط به این كتاب است مطالبی كه نقل می‌كنم از این چهار چوب آن طرف تر نمی‌رود نمی‌خواهی برو یك جای دیگر، نه جای بقیه را بگیر، نه اكسیژن بقیه را مصرف كن! خودت هم راحت باش اینقدر هم اعصابت خُرد نشود.

 لذا بطور كلی مسالة دموكراسی و آزادی در امروزه اصل قضیه خلاف است این آزادی كه می‌گویند در غرب هست كسی به كسی كاری ندارد این یك وضعیت ولنگ‌وبازی است كه در این وضعیت ولنگ‌وباز انسان نمی‌تواند رشد پیدا كند بله در یك وضعیتی كه فقط یك ظاهری محفوظ باشد و تعدی فیزیكی نباشد خب این آزادی كه در این كشورهای خارج هست، اجازه می‌دهند فلان گروه كذایی بیایند و تظاهرات كنند، در میان مردم همه در خیابان راه بروند آیا انسان یك همچنین كاری انجام می‌دهد آخر زن و مرد و پیر و جوان و بچه یك همچنین چیزهایی را ببیند چكار می‌كنند؟ یعنی اگر قانون می‌گوید شما می‌توانید در فلان روز و روزها یا مثلا به هر كیفیتی می‌توانید بیرون بیایید مگر اینجا الاغ است؟، مگر گله گوسفند است كه هركسی به هر كیفیتی بیاید؟، فضای جامعه فضایی است كه متعلق به همه افراد است، متعلق به پیر است، متعلق به جوان است، متعلق به بچه است، متعلق به زن و مرد است برای همه افراد فضای جامعه ترسیم شده، این فضای جامعه باید سالم بماند در خانه‌ات هر كاری می‌خواهی بكن برو هر كاری می‌خواهی بكن خودت را حلق‌آویز كن، به جهنم عین همین جریان چهارشنبه‌سوری، خدا پدر این دولت را بیامرزد اقلا یك مقدار امسال جلویش را گرفتند آقا چه وحشی‌خانه‌ای بود به اسم نمی‌دانم ... اصلا آقا حیوان این كار را انجام نمی‌دهد، ماشین دارد راه می‌رود شیشه‌اش باز است، در ماشین ترقه می‌اندازد، آقا این طرفی كه در ماشین است می‌میرد بعضی از مردم اگر ولشان كنید از گُراز بدترند، گُراز این كارها را نمی‌كند، گُراز وقتی به آدم حمله می‌كند آن شاخش را نشان می‌دهد، اگر من بدانم كه الان تو در این ماشین این چیزها را می‌اندازی این شیشه را بالا می‌كشم چقدر باید این حیوان باشد یعنی اصلا عجیب است ما برای سال هزار و چهارصد هستیم و ایرانی هم هستیم خیر سرمان ایرانی، ایرانی بله دو هزار وپانصد ساله شاهنشاهی نمی‌دانم تمدن باستان و ماد و فلان و این طرف و آن طرف نگاه كنید این ایرانی‌ها كی هستند؟ گرگ و خوك این كار را انجام نمی‌دهد، چقدر زن‌ها در یك همچنین شبی بچه سقط كردند، چقدر توی بیمارستان رفتند، چقدر سنگ‌كوب كردند، چقدر قلبشان ایستاد.

 چندسال پیش كرج بودیم همین شب كذایی بود، آمدند یك دانه از این صداها ... باور كنید اگر زمان جنگ بود می‌گفتم بمب انداختند، قطعا اگر زن حاملی در آن منزل بود بچه سقط كرده بود، یعنی قطعی بود خب جلوی این چیزها را نباید گرفت؟ به اعتقاد من كسی كه یك همچنین كاری انجام می‌دهد این اعدام است، یعنی اخلال به امنیت عمومی اعدام است چندتا را اعدام بكنند همه سر جایشان می‌نشینند، وقتی یك نفر می خواهد خر باشد می‌زنند تو سرش، یكی می‌گوید نمی‌خواهم آدم شوم یكی می‌گوید می‌خواهم وحشی بمانم، وحشی می‌خواهی بمانی برو كوه وحشی بمان چرا در خیابان می‌آیی؟ چرا در خانه مردم می‌آیی؟ مخل به امنیت را می‌بریم یك مدتی نباشد، آقا چندتا را بگیرید به دار آویزان كنید آن وقت ببینید كسی ترقه در می‌كند یا نه؟ این بدتر است یا وارد كردن تریاك بدتر است؟ كدام بدتر است؟ اخلال به امنیت یك مسالة آسانی نیست كه فرض بكنید منحصر به یك یا چند چیز باشد، آنكس كه آرامش جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد حالا در هر مساله‌ای باشد، مساله سرقت باشد، مساله قاچاق باشد، مساله درست كردن همین ترقه‌ها باشد، مساله ایذاء و آزار مردم باشد، تمام اینها مشمول همین است، خود احتكار در تحت یك شرایطی كه خلاصه اصلا كارش این است، از آن طرف به هر بهانه‌ای اعدام كردن از آن طرف باطل است از این طرف هر كاری شخص انجام بدهد و بعد هم با یك مجازات‌های خفیف این دوباره بتواند آنرا انجام دهد هردوی اینها غلط است هردوی اینها صحیح نیست.

 تلمیذ: ... ..

 استاد: خب اگر مردم را ول كنیم همین هستند دیگر، ما همین ایرانی‌های كه داریم به همه دنیا افتخار می‌كنیم تا ببینند (امنیتی نیست) می‌زنند شیشه‌ها را می‌شكنند، ماشین‌ها را آتش می‌زنند یك بازی می‌كنند قرمز و سبز و سیاه و سفید نمی‌دانم چی و یكی می‌برد یكی می‌بازد، بازی بازی است آقا چه وحشی‌بازی در می‌آورند؟! من یك دفعه در این قضیه بودم، از قم آمدیم تهران و وارد تهران شدم دیدم انگار شهر جنگ‌زده است اصلا آتش و دود و كفش و كت افتاده بود در خیابان فردوسی گفتم حمله مغول بوده؟ یكی زده یكی برده بابا این چه بساطی است؟! یعنی این نشان می‌دهد كه مردم نیاز به قانون دارند، مردم نیاز به چوب و فلك دارند، قانون بالا سر نباشد می‌گیرد، می‌چاپد، دزدی می‌كند و هركاری هم دلش بخواهد انجام می‌دهد حالا هر كسی در هر لباسی می‌خواهد باشد تا چوب و فلك نباشد به نظام نمی‌آید، چند تا سلمان و ابوذر فارسی در این مملكت پیدا می‌شود؟ چند تا عمار و حذیفه در این مملكت پیدا می‌شود؟ چند تا پیدا می‌شوند كه تا یك گنج پیدا بكنند چشمشان را ببندند؟! نه بابا دو ریال پیدا می‌كنند دین و خدا و پیغمبر یادشان می‌رود، تمام شد نه قیامتی نه پیغمبری، بزن و شیشه را خرد كن و آتش بزن و چكار بكن و عقده چی را می‌خواهی خالی بكنی؟ باخته كه باخته، برده كه برده، من نمی‌دانم سابق هم همینطور بود زمان شاه یا نه؟ این چیه؟ مردم چرا اینطوری شدند؟ اصلا عین وحشی‌ها، نمی‌دانم چه فرهنگی است؟ این چه ادبی است؟ اصلا ما به اسلام كار نداریم بابا تو یك وجدان داری، این ماشین بدبخت كنار پارك است به تو چه كار دارد؟ نه به آن قرمزت كاری دارد، نه به آن بنفشت كاری دارد، عین حیوان ... بعد هم می‌گوییم پیغمبر احكامش مال هزار و چهار صد سال پیش است الان مردم روشنفكر شدند! احكام مال الان نیست اینها این حیوان‌ها؟

 یك باغ وحشی بوده در خارج وقتی من نگاه می‌كردم واقعا گریه‌ام گرفت كه این انسان چیست؟ یعنی در كجاها حركت می‌كند واقعا انسان كیست؟ یك بیچاره‌ای از ماشینش پیاده شده در این باغ‌وحش‌های كه حیوانات آزادانه حركت می‌كنند آنجا باید با ماشین رفت كسی پیاده نمی‌رود مثلا شیر برای خودش می‌گردد یكی از اینها پیاده شده بود نمی‌دانم چكار ب‌كند، خبر هم كه نداشته یك دفعه یك حیوان درنده‌ای به او حمله می كند هی اینها داد می‌زنند یكی بلند می‌شود دوربین در می‌آورد از این عكس می‌گیرد و خوب تماشا می‌كند كه چطوری این می‌زند دندانهایش را و پاره می‌كند هرچی این زنش و اینها داد و بیداد می‌كنند كه این دارد می‌میرد بلند شوید بیاید و چه بكنید، این می‌زند این مرد بیچاره را می‌كشد بعد كه می‌آیند می‌گویند چرا تو كمك نكردی؟! می‌گوید اگر كمك می‌كردم آن وقت دیگر نمی‌توانستم همچنین فیلمی را با قیمت خوب بفروشم به جاهایی كه سوژه‌های جالبی می‌خرند انسان هزار و چهارصد سال چی فكر می‌كند؟ یعنی واقعا می‌توانیم اسم انسان بر روی او گذاشت خب این با آن بَبری كه دارد او را پاره می‌كند چه فرقی می‌كند؟! چه تفاوتی با همدیگر دارند؟ فقط و فقط در سایة معنویت و رعایت آداب و سنن هست كه انسان می‌تواند خودش را از این وهله بیرون بیاورد بیرون بكشد یكی از وظائف حكومت، وظایف مهم وخیلی حساس حكومت این است كه مردم را از نقطة نظر فرهنگی به آن سمت‌هایی سوق بدهد كه در جریان یك همچنین تنش‌هایی اصلا قرار نگیرند، نه اینكه علل و اسباب را فراهم بكند، علل و اسباب تنش، علل و اسباب به هم ریختگی اعصاب، به هم ریختگی روح این مسابقات و فلان و اینها همه درست عكس این مساله است ولی مردم را در یك وضعیت رقابت و تسابق، شما كه این رقابت‌ها را با این وضعیت ایجاد می‌كنید، آن خصوصیات نفسانی افراد را كه نمی‌توانید از دلش در بیاورید با حفظ آن خصوصیت‌ها یك همچنین رقابت‌هایی، یك همچنین مسابقاتی یك همچنین دامن زدن به این چیزها، آن مسائل نفسی اشتعال پیدا می‌كند نه اینكه تخفیف پیدا بكند، این قضایا در راستای اشتعال دارد انجام می‌گیرد این را ببریم چكار كنیم؟ فلان بكنیم یعنی مساله مساله تسابق نیست یك مساله برد و باخت غیرانسانی است، برد و باخت غیرانسانی در كار هست یك وقت من داشتم نگاه می‌كردم چندی پیش بود یك جا بود نمی‌دانم كجا هم بودم كه تلویزیونش روشن بود كه جایی بود بین اینجا و جای دیگر مسابقه بود یك آدم معروفی است داشت صحبت می‌كرد یك دفعه تا شنید كه در فلان جا ایران باخته شروع كرد زار زار گریه، گفتم به‌به یك چیزی گفتم كه الان نمی‌گویم آخر به تو هم می‌گویند آدم،" من احساساتی شدم" آخر تو آدمی؟ آخر تو با آن بچه پنج ساله چه فرقی می‌كنی؟! اینقدر باید یكی واقعا تهی تهی باشد، خب باخت به جهنم كه باخت اینكه دیگر گریه ندارد، آدم به این بزرگی، عین بچه پنج ساله عجیب است! خیلی برای من چیز عجیبی بود، این منظره كه این نشان دهنده شخصیت این است كه این شخصیتش چطوری شكل گرفته؟ در چه فضایی شكل گرفته؟ آن وقت عكسش، حالا اگر فرض كنید ... چنان شعف پیدا می‌كند كه از آن طرف كارهای بچه‌گانه سر می‌زند، یك حالاتی، یك تعبیراتی ... آن وقت همین را بقیه افراد در كشورهای دیگر هم دارند، خب اگر این گریه می‌كند او هم می‌كند چطور آنرا نشان می‌دهی می‌گویی فلانی گریه كرد خب اینجا هم آقاتون دارد گریه می‌كند، یا تعبیرهایی كه در جاهای دیگر آوردند همین‌ها هم همین هستند.

 یك وقتی من یك قضیه‌ای و مطلبی را شنیدم در یكی از همین برد و باخت‌ها بود كه ایران برده بود خیلی عجیب، خیلی متأثر شدم كه ما در كجا هستیم؟! در چه فضایی هستیم؟! در چه وضعیتی هستیم؟! خیلی برای من امیرالمؤمنین علیه‌السلام را یادم آمد ببینید اصلا كجا «أَ أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِی بِأَنْ یقَالَ هَذَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ لَا أُشَارِکهُمْ فِی مَکارِهِ الدَّهْر»[[1]](#footnote-1) اگر من در اینجا باشم و در آن طرف یك زن یهودی را بیایند خلخال از پایش ببرند و مورد تعرض قرارش بدهند بعد حضرت به مردم می‌گوید اگر از این مصیبت بمیرید خیلی رواست كه یك زنی را در فلان جا در سرحدات مملكت حكومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام یك زنی را آنجا آمدند یك خلخال در آوردند این رفته بالای منبر می‌گوید: به شما مرد می‌گویند و زنده‌اید؟

 این را ما فقط همینطوری می‌گوییم یعنی بالای منبر می‌گوییم، در روزنامه‌ها می‌نویسیم، در كتابهایمان می‌گوییم ولی آیا ما تا بحال خودمان را در فضای یك همچنین صحبتی قرار دادیم كه آن علی كه این را می‌گفته در چه فضایی از فرهنگ و اعتقاد و باور بوده؟ بله در كتابها نوشته خیلی هم خوب نوشته با وُرد و با خط خوب هم نوشته ولی آیا ما هم همین هستیم؟ ما هم در همان فضا هستیم؟ مایی كه الان ایران مسابقه می‌دهد با یك كشور عربی دیگر كه آن هم مسلمان است یا اصلا مسیحی است یك كشور مسیحی و می‌برد آیا ما باید افتخار كنیم افتخار دارد؟ اینهایی كه الان شما این مسائل را دارید احساس می‌كنید می‌دانید چرا؟ چون در یك فضای دیگری شما قرار دارید، بقیه اگر این را بگوییم به ما می‌خندند آقا این حرفها چیست؟ این آقا چی می‌گوید؟!

 ولی شما كه در یك فضای توحیدی قرار گرفتید و به مكتب و مبانی بزرگان به آنها مطلع شدید حالا می‌فهمید آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام كه می‌گفتش اگر از این مصیبت بمیرید رواست واقعا راست می‌گفته چرا؟ چون برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام زن یهودی در سرحدات حكومت اسلام با آنی كه بغلش است تفاوتی ندارد، این است نه تنها این، امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی از آن خلخالی كه از حكومت معاویه می‌گیرند همین را می‌گوید منتهی می‌گوید دیگر دستم نمی‌رسد، استرالیا هم باشد همین را می‌گوید چرا؟ عموم دارد، فرهنگ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرهنگ شامل و عام است، مرحوم آقا چی فرمودند؟ ما مرز نداریم، مرزی وجود ندارد، مرز مرز اعتقاد است نه مرز جغرافیایی، مرز مرز اعتقادی است، الان واقعا شما كه در یك همچنین فضایی قرار دارید در یك روزنامه بشنوید كه آمدند رفتند به یك زن در یكی از این كشورهای خارجی، كشورهای اروپایی، آمریكایی، استرالیایی، افریقایی آمدند به یك مظلوم ظلم كردند آیا برای شما همان احساسی پیدا نمی‌شود كه اگر بگویند یك نفر در همین ایران در همین شهر، در همین قم ... یك همچنین احساسی پیدا نمی‌كنید اگر شد بدانید نزدیكید، اگر نشد باید بروید در حالات و روحیاتتان تجدیدنظر كنید اگر همان حالت پیدا شد، هان دارد قرار می‌گیرد اگر مسابقه داده شد بین ایران و غیرایران و مساله فرقی نكرد خب آن یك كشور مسلمان است این هم مسلمان است مگر ما نمی‌گوییم همه جا اسلام باشد؟ و ما هم باید به همه جا فرهنگ را اشاعه كنیم؟ خب اشاعه فرهنگ این است؟! حالا به مسیحی و آنهایش كاری نداریم پاكستان فرض كنید كشورهای عراق عربی لبنان سوریه عربستان كشورهای دیگر.

 وقتی آنها ببینند وضعیت ما را، كیفیت تبلیغ ما را، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند چی شده؟ چرا تعبیرها اینطوری شده؟ وقتی كه می‌بریم: زدیم و شكستیم و دروازه را له و خرد كردیم و حمله كردیم و جلو زدیم، بردیم ... وقتی می‌بازیم: بازی را واگذار كردیم، خب بگو باختیم بابا جان، واگذار كردیم! این چی را نشان می‌دهد؟ آنها می‌فهمند قضیه چیست؟ مطالب را تشخیص می‌دهند خیلی خب حالا كه اینطور است مشكل نداریم حالا كه قضیه این است ما مثل هم هستیم، تو به یك اسمی هستی و ما هم به یك اسمی تو یك جور ما هم یك جور ما مشكل نداریم مشكل آنجا پیدا می‌شود كه تو بخواهی به راه دیگه بروی، راه اولیاء و راه فلان آنجا می‌خواهی بروی آن وقت ما راهمان یك طور دیگر است ما وضع دیگر داریم ولی الان نه ما مساله‌ای نداریم ما با هم رفیقیم.

 تلمیذ: استفاده از نام ائمه اطهار در جریانات مسابقات ورزشی چگونه است؟

 استاد: ببینید یك وقتی اصلا اصل و اساس روش، روش صحیح و منطبق است آن عیب ندارد مثلا" از اینها استمداد بكن" چه شكست بخورد یا نخورد، شما یا ابوالفضل بگویید وزنه یك تنی بخواهید بردارید می‌شود؟ نمی‌شود او كه نمی‌آید برای شما وزنه یك تنی را ده كیلویی كند، خب این مسخره كردن است یك وقتی نه انسان اصلا در هرچیزی استمداد می‌كند ولو اینكه شكست بخورد با این نظر كه من استمداد می‌كنم ولی در عین حال نظر حضرت ابوالفضل علیه‌السلام این است كه بنده شكست بخورم، خب شاید پیروز بشوم آن وقت ما می‌آییم آن جنبة منفی مساله را در نظر نمی‌گیریم كه آن تأثیر بد می‌گذارد می‌گویند اگر اینها امامشان كارآیی داشتند چرا شكست خوردند؟ بله در یك جا شنیدم، البته آن آدم صحیح‌الاعتقادی نبود فاسد بود سید محمدباقر درچه‌ای بله ایشان از اصفهان بوده آدمی بوده كه مقداری نسبت به ائمه بی‌تربیت‌هایی هم داشته، كه یكی آمده نمی‌دانم چكار كند گفته كه حضرت ابوالفضل علیه‌السلام را پیشش شفاعت كند آن گفته اگر می‌توانست می‌رفت دست‌های خودش را درست می‌كرد نمی‌گذاشت قطع شود یك همچنین چیزهایی داشته، استفاده از نام ائمه بله باید باشد یعنی باید رواج داشته باشد ولی با یك فرهنگ صحیح باید باشد نه اینكه استفاده بكنیم برای پیروزی، گاهی پیروزی نمی‌شود و همین موجب می‌شود كه اعتقاد نسبت به آنها سست بشود ما امام را برای پیروزی می‌خواهیم نه امام را بعنوان استمداد و كمك در هر مساله‌ای.

 تلمیذ: استفاده از نام ائمه در امور اعتباری یا بی‌ارزش مثل همین مسابقات ورزشی در قبال امور مهم و جدی چگونه است؟.

 استاد: در وضعیت فعلی كه اصل تسابق، تسابق صحیح نیست، ورزش صحیح است ورزش خوب است صحیح است البته ورزش‌هایی كه جنبة تقویت قدرت بدنی داشته باشند، فوتبال این مسئله را ندارد، ورزشی كه در زندگی مفید باشد نه آنكه صرفا خودش یك نمودی داشته باشد اینها گسترشش در جامعه اشكال ندارد، كُشتی خیلی خوب است، انسان قوی می‌شود ولی وزنه نه، وزنه چیزی نیست كه بخواهد در زندگی یك امر مفیدی باشد یا مثل فوتبال.

 این همه خرج‌هایی كه دارد می‌شود از پول این مردم دارند پولهایی كه باید صرف فقرا و اینها بشود دارد صرف چه چیزهایی می‌شود، فوتبال یك چیزی است كه خب در زندگی انسان و در بهبود انسان هیچ نقشی ندارد، صرف فقط یك هنری است كه هنر، هنر بی‌محتوا است، حالا فرض كنید یك جامعه در آن فوتبال نباشد چه می‌شود؟ طوری نمی‌شود مگر من فوتبال بازی كردم آن موقع جوان‌تری‌هایمان، البته نمی‌گویم پیر شدم، آن موقع بازی می‌كردیم اما الان حالش را نداریم الان پیاده‌روی را هم حالش را نداریم بعضیها می‌آیند درب خانه‌مان و قول هم دادیم، می‌گویم می‌شود بگذاری فردا یا پس فردا یا یك وقت دیگر؟ این مطلب كه می‌فرمایید در یك همچنین چیزی درست اولا زورخانه‌های سابق را نگاه بكنید: اسم علی علیه‌السلام بود به اسم علی علیه‌السلام می‌رفتند توی گود و خب چه اشكال دارد؟ اصل ورزشی كه مفید است و صحیح است و به درد سلامتی می‌خورد و انسان با این به یاد ائمه باشد و همینطور خب در مسابقه‌اش هم همینطور كه انسان واقعا از اینها استمداد كند ولی اینطور نباشد كه تصور باشد كه حتما باید انجام بشود، چون مصالح را آنها می‌دانند ولی نسبت به مسائلی چیزهایی كه شما می‌گویید چیزهای بیخود نه هیچ وجهی ندارد.

 تلمیذ: در مكه كه مشرف بودیم در خود مسجدالحرام خانمهای ایرانی با وضع بد حجاب وارد می‌شدند ...

 استاد: پسرهایش هم همینطور، پسرهای جوان موهای كوتاه، چندمرتبه من خودم برخورد كردم در نمازجمعه‌شان در مدینه كه می‌گفت:" ایرانی‌ها دقت كنند نسبت به مسائل اخلاقی" خب هست دیگر داریم می‌بینیم.

 تلمیذ: ...

 استاد: قضیه آن سال سوت كشیدن اول نوروز خیلی عالی بود، سوت، فلان گفتند این كار مجوس است، سوت كشیدند و دست می‌زدند در مسجدالحرام بعد همان‌جا رفتند یك دوربین آوردند با یك نفر مصاحبه كردند ... ـ سر چه كسی را داریم كلاه می‌گذاریم؟ ـ خب موقع نوروز چكار كردید؟ اللَه اكبر گفتیم، وقتی برای ما پخش كردند آن سوت‌هایش را كه نمی‌گذاشتند خب حالا آن آقایی كه دارد آنجا می‌بیند و این فیلم شما را می‌بیند به شما چی می‌گوید؟ واللَه ما اللَه‌اكبری نشنیدیم ما چیزی كه شنیدیم سوت و كف و اینها بوده صداقت خوب چیزی است، آدم صادق باشد، صادق باشد تا اعتماد جلب شود.

1. نهج البلاغه ص ٤١٨ نامه ٤٥ [↑](#footnote-ref-1)